

اعلامیه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

شعبه بازی تازه حکومت ارتجاعی

حکام مرتجع ج ۱۰ همچنان به شعبه ما - زبها و جنایات خود ادامه میدهند. یکی از آخرین اقدامات این رژیم نمایش تلویزیونی جدید است که از هفته پیش آغاز شده است و یکی از قربانیان حکومت اسلامی، یعنی رفیق احسان طبری را مجبور به شرکت در آن کرده اند. همان طور که همه می دانند احسان طبری بیش از یک سال است که در زندان بسر می برد و همد ف انواع فشارها و شکنجه ها و تضحیقات جسمی و روحی بوده است. رفیق احسان طبری تا کنو بقیه در صفحه ۵

کمک به خانواده زندانیان سیاسی
يك وظیفه انسانی و انقلابی

هم میهنان عزیز،

در شرایط رژیم ترور سیاه حاکم بر کشور که هر روز پاک ترین فرزندان مبارز مردم ایران بدست دستگامسروکوبگر ۱۰۱ در سیاه چال ها و دخمه های قرون وسطایی بقتل و زنجیر کشیده می شوند، کمک به خانواده زندانیان سیاسی يك وظیفه خطیر انسانی، انقلابی و میهن پرستانه است. خانواده هایی که گناهان آورشان را رژیم بخاطر دفاع از حقوق و آزادی مردم ایران به زندان افکند است و اکنون در شرایط دشوار روحی و مادی بسر می برند، باید با کمک های محبت آمیز همه جانبه مادی و معنوی احساس دلگرمی و سرپنداری و حقانیت کنند.

یاری و یاورى به خانواده زندانیان سیاسی از طریق سازماندهی و به کار رستن ابتکارات گوناگون کرد آوری کمک و کمک رسانی در داخل و خارج از کشور باید مخصوص از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران به عنوان يك وظیفه حزبی و انقلابی با پیگیری انجام و دنبال شود.



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم - سال اول - شماره ۱۵
پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

چرا رژیم در گفتگوهای ژنو پیرامون "مسئله افغانستان" شرکت نکرد

عمل کند.

البته رژیم جمهوری اسلامی ایران در اعلام موضع و عمل خود پیرامون دگرگونی های ژرف انقلابی در افغانستان تنها اینکه تاز می داند نیست. از فردای پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک افغانستان، به رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، جبهه متحد ضد انقلاب جهانی، در برگزیده امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع منطقه از عربستان سعودی و عمو گرفته تا خط مقدم جبهه آنها یعنی پاکستان و ایران ستشاهی با همدستی برتری جهان چین آتش دخالت و جنگ اعلام نشده بر ضد خلق افغانستان را روشن ساختند. از آن سره مروند با تمهیق و گسترش انقلاب، استوار شدن هر چه بیشتر شالوده های نظام عادلانه حاکم و رشد بقیه در صفحه ۴

در هفته گذشته، در ژنو، سومین دور گفتگو های دو جانبه میان افغانستان و پاکستان با میانجیگری نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد برای عادی کردن اوضاع پیرامون "مسئله افغانستان" و پایان بخشیدن به جنگ اعلام نشده بر علیه آن، برگزار گردید. در این گفتگوها، قاعدتاً جمهوری اسلامی ایران نیز بخاطر پیگیری سیاست مدخله گرانه در امور افغانستان، باید بعنوان یکی از طرفین مذاکره شرکت می کرد. ولی رژیم واپسگرا با پنهان کردن چهره خود در پشت نقاب مزورانه ضرورت احترام به نظر مردم افغانستان در تعیین سرنوشت خود، تلاش ورزید حضور نیافتن در گفتگوها را برحق جلوه گر سازد تا از این راه در قبال دخالت های گسترده خود در امور داخلی کشور مستقل و دارای حاکمیت مردمی افغانستان همچون گذشته با دست باز

وحدت عمل نیروهای انقلابی
عامل تعیین کننده و

وثیقه عمده پیروزی است

آنچه در میهن بلاکشیده ما می گذرد، هشداری است به همه نیروهای ملی، مترقی و ضد امپریالیستی. جریان انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی، که به رای عدم اعتماد مردم به رژیم حاکم انجامید و در ادامه آن مشاجرات لفظی در مجلس شورای اسلامی پیرامون انتخابات نخست وزیر و اعضا کابینه، ژرفای بحرانی را که رژیم در همه زمینه ها با آن روبرو است بار دیگر عیان ساخت. این فرجام اجتناب ناپذیر غیرمنتظره نبود. حزب توده ایران، به شهادت اسناد رسمی و از جمله اعلامیه ها و نامه های سرگشاده ای که طی پنج سال اخیر انتشار داده، بارها چنین پیامدی را پیش بینی کرده بود. هنوز در خرداد ماه سال ۱۳۵۸، کمیته مرکزی حزب ما در اعلامیه ای خاطرنشان ساخت: "بنظر ما دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم بقیه در صفحه ۲

پیام شادباش به کمیته مرکزی
حزب کارگراتیونی

در صفحه ۷

بلغارستان، که زمانی سرزمینی عقب افتاده، پیش نبود، اکنون کشوری مدرن با صنعت، کشاورزی و فرهنگ پیشرفته بشمار می رود. بهیچ روی تصادفی نیست، که اینک بلغارستان در دسیسه ها و تبلیغات زهرآگین امپریالیسم جهانی مقامی ویژه یافته است. چه کشور شما، بعنوان يك عضو فعال جامعه کشورهای سوسیالیستی، با گامهای استوار در راه تحکیم صلح و پیشرفت اجتماعی گام برمی دارد. در پایان، موفقیت های هر چه بیشتر شما را در ادامه بازسازی سوسیالیستی خواستاریم.

با درود های برادرانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
(سپتامبر ۱۹۸۴)

پیام شادباش به کمیته مرکزی
حزب کمونیست بلغارستان

رفقای گرامی،

کمیته مرکزی حزب توده ایران چهلمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی ۹ سپتامبر ۱۹۴۴ را از صمیم قلب به شما شادباش می گوید. پیروزی ارتش قهرمان سرخ در جنگ بزرگ میهنی و شکست آلمان هیتلری راه را برای غلبه مردم بلغارستان بر فاشیسم و ارتجاع داخلی هموار ساخت.

در این مدت، مردم بلغارستان، به رهبری حزب کمونیست بلغارستان، به دستاورد های بزرگی در همه زمینه های زندگی اجتماعی نایل شده اند.

بمناسبت پنجمین سالگرد درگذشت
آیت الله طالقانی

آیت الله طالقانی:

منادی پیگیر اتحاد همه نیروهای خلق
غلبه ارتجاع و امپریالیسم

پنج سال پیش، در روز ۱۹ شهریور، در یکی از حساس ترین روزها و لحظات انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، آیت الله طالقانی چشم از جهان فرو بست. مرگ آیت الله طالقانی، بعنوان يك روحانی مبارزگشتی ناپذیر ضد استبداد و ضد امپریالیست همه زحمتکش و نیروهای انقلابی و مترقی را در اندوهی ژرف فرو برد.

طالقانی سراسر زندگی پربار خود را وقف مبارزه علیه بیدادگری و آزادی کشی خاندان پهلوی کرد و در این راه بارها و بارها رنج درد و شکنجه سیاه چال های "اوین" و "کمیته رابر" بقیه در صفحه ۷

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

وحدت عمل نیروهای انقلابی ...

بقیه از صفحه ۱

متجاوز آمریکا و هندستان ایرانی آنان، یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به امپریالیستها است. هرگونه تلاش برای منحرف ساختن افکار عمومی مردم انقلابی ایران از سمتی که بدون تزلزل علیه این دشمن اصلی، چه آگاهانه باشد و چه برپایه آرزوهای و یا شناخت نادرست از واقعیت، به زیان جبران ناپذیری برای جنبش میهن ما تمام می‌شود.

دوم مرداد ماه همان سال ما در نامه سرگشاده به همه مردم ایران و سازمانها و گروههای هوادار انقلاب، درباره نوشتیم: "بطور کلی عمل نیروها و گروههای افراطی راست، که در بسیاری از احزاب و گروههای مذهبی هم جا گرفته‌اند و در سیاست آنها تأثیر می‌گذارند، بطور عمده در جهت توسعه نفاق در میان نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی، هم درون جامعه ایران و هم در میان جبهه ضد امپریالیستی در مجموعه منطقه است. ما هشدار دادیم که پیامد مخرب این سیاست فلاکت‌بار دیرپا زود دامن کشور ما را خواهد گرفت."

در شهریورماه ۱۳۵۸، نیز با احساس مسئولیت در مقابل توده‌های زحمتکش طی بیانیته‌ای یادآور شدیم: "ما امروز در مقابل این واقعیت هستیم که از یک سو حمله وسیعی از طرف نیروهای انحصارطلب راست برای سرکوب آزادی و در درجه اول آزادی نیروهای راستین انقلابی و چپ و حتی بخشی از نیروهای انقلابی که زیر پرچم اسلام مبارزه می‌کنند، آغاز شده و از طرف دیگر کردستان به صحنه‌ای از جنگ اخلی و برادر کشی مبدل گشته است. نتیجه قهری این سیدست، چنانکه در بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز یادآوری می‌شد، خیانت رژیم به آماج‌های انقلاب رادری داشت."

این نتیجه‌گیری مضمون عمده کلیه تحلیل‌های ما را طی چهار سال فعالیت علنی حزب تشکیل می‌داد و گذشت زمان ارزیابی‌های ما را بار دیگر به ثبوت می‌رساند.

از قلاب بهمن ۵۷ که با جانبازی و فداکاری میلیونها ایرانی به پیروزی رسید اهداف عمده رژیم را در مقابل داشت:

- برانداختن رژیم خودکامه استبدادی!
- ریشه کن کردن تسلط غارتگران و استیلاجویانه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا!
- تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای همه مردم ایران از زن و مرد!
- تأمین تعیین حق سرنوشت برای ملیت‌های ساکن کشور ما!

- تأمین عدالت اجتماعی به سود محرومین جامعه به معنای خاتمه دادن به چپاول ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان و بهبود بنیادی زندگی کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان!

حزب ما با تمام نیروی خود در جهت تحقق این آماجهای انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک و ضد استبدادی مبارزه می‌کرد. در ست بهمن سبب نیز از فردای روز پیروزی انقلاب

مورد شدیدترین کینه‌ها و بغض ارتجاع داخلی و امپریالیسم قرار داشت. علت یورش سببانه به حزب توده ایران را نیز باید در اتخاذ این موضع اصولی جستجو کرد. ولی نه سرکوب توده‌ایها، فدائیان، مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی و نه تشدید روزافزون ترور و اختناق توانست پر معضلات و مشکلات عظیمی که رژیم با آن روبرو است سرپوش نهد.

در نتیجه خیانت حکام ارتجاعی، ویژه‌گیهای لحظه کنونی چنین است:

- بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور را فرا گرفته است. سرانجام ۱۰٪ از حلال مشکلات اجتماعی - اقتصادی عاجزند. دولت بجای حل درست مشکلات، یعنی حل ملی مردمی دشواریها در جهت تأمین منافع اکثریت مردم، طریق "حل" آنها را در چارچوب منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان در پیش گرفته است. - سرکوب وحشیانه همه نیروهای راستین انقلاب، اعم از مذهبی و غیرمذهبی به سیاست مستمر دولت تبدیل شده است.

- ادامه جنگ فرسایشی با عراق و جنگ برادر کشی در کردستان به موازات گسترش بی سابقه فقر و بیکاری و در بدری و بی خانمانی و تورم و گرانی و توسعه بی حد فساد و رشوه‌خواری - جبات ناراضی عظیم توده‌های مردم را فراهم آورده است.

در چنین شرایطی است که ضد انقلاب، یعنی ارتجاع و عمال امپریالیسم در داخل و خارج کشور سر بلند کرده و در صدد بهره‌برداری از ناراضی عمومی و هرج و مرج حاکم بر کشور در جهت تحکیم مواضع سیاسی و اقتصادی خود اند. این همان خطر بزرگی است که ما از روز نخست هشدار می‌دادیم.

اکنون این سؤال مطرح است که چه باید کرد؟ بنظر ما برای رویارویی با ارتجاع و امپریالیسم، تنها راه، ایجاد همبستگی همه نیروهای انقلابی، همه نیروهای ضد امپریالیستی هوادار استقلال، تمامیت ارضی، آزادی و پیشرفت اجتماعی است.

تنها از طریق اتحاد و مبارزه مشترک همه هواداران آزادی واقعی، یعنی آزادی‌بیان و قلم و احزاب و سندیکاها و اجتماعات و همه نیروهایی که خواستار تحقق آماجهای مردمی انقلاب اند می‌توان دسیسه‌های ضد انقلاب را نقش بر آب کرد.

ما معتقدیم که این مسائل را باید در ارتباط دیالکتیکی روند های انقلابی و ضد انقلابی بررسی کرد. ما نمی‌توانیم پیوند میان انقلاب و ضد انقلاب را که یک جنبش اجتماعی واحدی است و طبق منطق درونی خود تکامل می‌یابد در نظر نگیریم. در این صورت هدف عمده و اساسی ما عبارت خواهد بود از تضعیف ضد انقلاب و اضمای آن از سویی و تقویت نیروهای انقلابی در راه

تأمین اتحاد آنها در جبهه واحد از سوی دیگر متأسفانه، در زمینه شناخت نیروهای انقلابی بی در میان نیروهای مترقی دید یگانهای وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمی‌گیرد.

اینکه ضد انقلاب در داخل و خارج کشور به تیز حملات خود را متوجه حزب توده ایران کرده جای شگفتی نیست. جز اینهم نباید انتظار ری داشت. آنچه در این میان جلب توجه می‌کند هم آوایی بخشی از نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی با ضد انقلاب است. ما با احساس مسئولیت تاریخی و با در نظر گرفتن ضرورت حیاتی اتحاد نیروهای راستین انقلابی در لحظات کنونی، دانسته و فهمیده اینگونه حملات را پاسخی نمی‌دهیم. تجربه تلخ گذشته می‌آموزد که از تفرقه و جدایی و چند دستگی نیروهای ملی و مترقی و ضد امپریالیستی فقط و فقط دشمنان مشترک ما بهره می‌گیرند و هم آنها هستند که می‌کوشند تا تنور نفاق و پراکندگی را گرم نگه دارند.

حزب ما همواره با روشن متین در جهت اتحاد نیروهای انقلابی گام برداشته و برخواهد داشت. عناصر عمده اتحاد او عمل مشترک این نیروها، انطوری که در برنامه‌های گوناگون حزب ما در مورد اتحاد نیروها و از جمله برنامه مصوب پلنوم هیجدهم تصریح شده عبارتند از: اتحاد نیروها در مبارزه آشتی ناپذیر برای جلوگیری از تسلط مجدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم، که رژیم سرگرم بازسازی آن است، در مبارزه برای تأمین آزادی نیروهای گوناگون ملی و میهن پرست، در مبارزه برای برانداختن غارتگری بی رحمانه چپا و لگران وابسته به حکام ارتجاعی و بهبود بنیادی شرایط زندگی از زن و مرد و همه اقوام و همه اقلیت‌های ملی و مذهبی در چارچوب ایرانی واحد و مستقل و آزاد. تاریخ معاصر شاهد آن است که گروه‌های گوناگونی در شرایط معین و مشخص زمانی وعده‌های زیادی به مردم داده‌اند. ولی وقتی نما - پندگان آنها چاکمیت را بدست گرفته‌اند، تیشه به ریشه هرگونه آزادی و عدالت اجتماعی زده‌اند.

حکام قشری که امروز جایگزین رژیم منحوس پهلوی شده‌اند و در آغاز دم از آزادی و عدالت اجتماعی می‌زدند، به زودی پشت به انقلاب کردند و در همان راهی گام گذارند که رژیم خودکامه استبدادی شاه می‌رفت. بدینسان، هم ضد انقلاب رنگارنگ که اینک در کسوت اپوزیسیون به اصطلاح ملی درآمده‌اند و شعار "سلطنت مشروطه" را علم کرده‌اند و هم حکام ارتجاعی کنونی، که ترور و اختناق را به بالاترین حد خود رسانده‌اند، در عمل از جانب مردم آزموده شده‌اند.

توده‌های میلیونی مردم که از رژیم حاکم روی برگردانده‌اند، خواهان پایان دادن به رژیم استبدادی در هر کسوتی و خواهان است قلال، آزادی و عدالت اجتماعی هستند. بقیه در صفحه ۴

نه از استقلال خبری هست، نه از آزادی و عدالت اجتماعی

تظاهرات در میهن ما پدیده شگفت انگیزی بود. خود پو و پر دامنه، دریایی پرخروش از عمیق ترین عواطف انسانی و خشم دوران سباز مرد می مبارز، که از سکوت و سازش بری بودند. در قاموششان تسلیم نمی گنجید و هیچ سسد آهیننی توان ایستادگی در برابر طغیان آنها را نداشت، و از این پس نیز نخواهد داشت.

هنوز فرش سنگین و پر از خشم مردم در خیابان ها طنین انداز است. خشمی دیرین که پیوند خونینی بود میان ۲۸ مرداد، ۱۷ شهریور و ۲۲ بهمن ۰۰۰ و فریاد های مرگ بر شاه، که بی هراس از توپ و تانک و مسلسل، مظهر ستم را با آن یال و کوپال و دبدبه و کبکبه اش از ابریکه قدرت به زیر کشید و نظام منحط سلطنتی را بر انداخت.

گمان نمی رود هیچ ایرانی میهن دوستی خاطر تظاهرات چند میلیونی مردم را با شعارهای "می جنگیم، می میریم، سازش نمی پذیریم" و "بعد از شاه نویت آمریکا است"، در تحقق خواسته ها و آرزوهای سرکوب شده، یک ملت از پانفتماده در طی قرن ها، فراموش کند. و نیز تاریخ جهان از این دست حضور یکپارچه، پرشور و پیوسته بشری را کمتر به یاد دارد. روزی که شاه "در رفت" و مردم مجسمه هایی را که همچون بختک بر سر شهر افتاده بود به زیر کشیدند. روزی که خرمشهر فتح شد، شادی ولوله انگیز، هزاران شهر و روستا را در بر گرفت و تاجها و حلقه های گل زینت بر سر و گردن فاتحانی شد که دشمن را قهرمانانه به عقب راندند. در یخا که چندی بعد، اسطوره های فتح و ظفر به "جرم" میهن - پرستی در برابر جوخه های اعدا م قرار گرفتند. چه خاطره هایی دارند مردم، از آن تظاهرات، در آن سالها و در آن روزهای غرور انگیز. و چه دردناک است سرخوردگی ها و بغض سنگینشان در چنین روزهایی.

آن روزها در آغاز انقلاب مردم چه مهربان شده بودند. زنجیر وحدت و یکپارچگی، دلها و دستها را به هم نزدیک کرده بود. گل جای گلوله را گرفته بود. لبخند های پیروزی، پیوند میلیونها انسان زحمتکش و آرزومند را که انکار از ورای پرد های غبار و مه، بیرون آمد هاند و تازه یکدیگر را باز یافته اند، محکم تر می کرد. شور و اشتیاق مبارزه، سرمای زمستان ۵۷ را در خود ذوب کرده بود، لقمه نانی اگر در سفره مردم بود به تساوی قسمت می شد و گمان می رفت که در آسما چنین هماهنگی و وحدتی کبوتر صلح و آزادی پرواز پرشکوهش را آغاز کند.

زحمتکشان کشور از کارگر و کارمند و دهقان و پیشه ور تا دیگر اقشار، انتظار داشتند که پس از آنهمه رنج، و پس از نثار آن همه قربانی، بر آستان معبد آرزوها، دموکراسی و عدالت - اجتماعی، زیر پرچم یک حکومت مردمی و انقلابی

گوهردشت و صدها زندان و سیاه چال دیگر، میان مردم و فرزندان انقلابی آنها، میان مردم و آزادی، میان مردم و دموکراسی و عدالت اجتماعی حائل شدند. دشمن با سوء استفاده از باورها و اعتقادات برخی از اقشار کم آگاه، روی دوش قشری ترین و ارتجاعی ترین نیروهای اجتماعی کشور به بخش اعظم آماج های خود دست یافت. دیگر در شهرها و خیابانها از آن شور و نشاط عاشقانه انقلابی خبری نبود. سکوتی سنگین و مومنی خرخره تیره بر تن تنیده شهر کشید. گلهای لبخند پژمرده، غبار تردیدی بر چهره ها سایه افکند و ای بسا تعصبات کور، که فاجعه آفرید و دستانی را از مفصل شکست کباب مهربانی به سوی مرمم دراز شده بود. در خیما ن کاسه سر اغلب هنرمندان و اندیشمندی را که سر تسلیم فرود نیاوردند و نتوانستند خان سالم از مهلکه بدر - بپرند، از گلوله های سری پرکردند. و دینسان خرافه، اوراد، ادعیه و جلسات نوحه سرایی به جای فرهنگ انقلابی توسط بلند گویای رژیم تبلیغ شد و هیاهو برای هیچ گوش فلک را انباشت.

اما هرچه زمان بیشتر سپری شد، بخش مهمی از توده مسلمان کشور که ناآگاهانه به صفوف تظاهرات عوام مهربانه، ضد مردمی و ضد انقلابی - گرویده بودند، بیشتر از ماهیت ارتجاعی برپا - کنندگان تظاهرات با خبر شدند و خود را از محرکه کنار کشیدند. امروزه متظاهران دفاع از انقلاب و "اسلام" جز نیروهای فشار و عوامل مزدور و دست نشاندۀ غارتگران نیستند که هر چند روز یک بار سر و کله منحوسشان پیدا می - شود و با پشتیبانی رهبران ج ۰ ۱۰ و استفاده از امکانات وسیع دولتی در سر هر کوی و برزنی به جان مردم محروم می افتند و تحت حمایت نیروهای "انظامی" با وحشیانه ترین و زنده ترین شیوه ها به آزار مردم می پردازند. دور در چاقو کش ها، جاهل مسلک ها و اراذل و اوباش است. این مردم ستیزان آدم نعا، می آیند و می زنند و می گیرند و می برند و می کشند. چرا که پشتشان گرم است و حکام ارتجاعی زمینه هر جنایتی را برای آنها فراهم می کنند. حوادث چند روزی اخیر را با عنوان تظاهرات علیه "بی حجابی" که با ضرب و جرح صدها نفر از مردم توأم بود، در چنین چارچوبی باید ارزیابی کرد.

آری پدیده شگفت انگیزی است تظاهرات. دیگر نه خود پو و پر دامنه، نه دریایی پرخروش از عمیق ترین عواطف انسانی در پیوند دلها و دستها و زبانها. در جامعه ای که هر واقعیتی قلب می شود، این پدیده نیز سرنوشت دردناکی یافته است. خیانت به انقلاب و انحراف از خواستهای مردم در بطن چنین تظاهرات نفرت - انگیز و مشنومی کاملاً قابل رویت است. جایی که "مرگ بر بی حجاب" یک "مهم اجتماعی" قلمداد می شود و دیگر نه از استقلال خبری هست، نه از آزادی و عدالت اجتماعی.

با این حال نطفه های مقاومت مردم شکل می گیرد. خیابانها سرود شکفتن بر لب دارند و از ورای سکوت سریی، دیگر بار غرش دشمن شکن مردم طنین انداز خواهد شد. ●

در سرزمینشان حاکم شود و ثمره قرنهای شوربختی میوه چینی از درختی باشد که در خون جوشان و فریاد های خروشان خود برنشانده بودند. اما واقعیت سرناسازگاری داشت و دیری نپایید که خیانت رهبران ج ۰ ۱۰ به انقلاب، و عقب نشینی محافظه کاران بزدل و فرصت طلب، کبوتر سپید آزادی، پرگشوده از قلب درد مند میلیونها انسان رنجبر و بیکار جو، به تیر زهر فرو افتاد. دیگر بار زنجیرهای ستم برهای عدالت پیچید و دالپای سرمایه برگرده مردم نشست. آتش انتقام از خلق با شراره های سوزان جنگ ایران برانداز در هم آویخت. زندگی به رویایی میمانست که کابوس تلخ و شکننده بیداری را در پی داشته باشد.

در چنین بجهوحه ای، به تناسب گرایشها حاکمیت به سمت راست، تظاهرات ماهیت دیگر یافت و درون مایه ضد مردمی آن روز به روز آشکار تر شد. شعار "نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا" که روزگاری غول امپریالیسم را به لرزه در آورد، به دست فراموشی سپرده شد. بدینسان جانی تازه در پیکر انحصارهای چند ملیتی دیدم شد. کسانیکه روزگاری سند را دست پینه بسته دهقانان می شناختند، در همدایی با صاحبان سرمایه ها و زمین های بزرگ و دل جوی از آنان، شعارهای "مرگ بر منافق"، "مرگ بر توده ای" و "مرگ بر بی حجاب" سردادند.

درهای سندیکاها و اتحادیه های کارگری یکی پس از دیگری تخته شده. شوراهای دموکراتیک کارخانه ها، سازمانها و ادارات منحل گردید. نهاد های انقلابی به تدریج از وجود عناصر مثبت و کارآمد انقلابی تصفیه شدند و عوامل ارتجاعی، پشت نقاب پیش و تسبیح، اوراد استنثار بر لیب راندند و بر برنشانها به همه دستاورد های مردم بیورش بردند. پیش قراولان انقلاب که پرچم های خونیشان هنوز در اهتزاز بود، زیر قدرت اهر - یمنی دشمن که زیر کانه اهرمهای قدرت را یکی پس از دیگری تصرف کرده بود، از صحنه به بیرون رانده شدند. این فرزندان برونمند وطن بودند که یکی پس از دیگری در محاق توهین و تهمت و افترا قرار می گرفتند.

روزی نبود که خیابانها از خون صدها نفر رنگین نشده باشد. شبی نبود که نفیر گوش خراش رگبارها سرخاموشی داشته باشد. در خیما ن حاکم و گشت های ارباب و شکنجه که چونان کرکس بر جان مردم بی گناه فرود می آمدند، آزادی را کشتن کشان به مسلخ بردند و سر بریدند. جوخه های مرگ "گار" وحشتناک خود را دیگر بار آغاز کردند. هر سپیده دم عهد ها جان پرشور به خاموشی گرایید. هزاران نهال سبز را گردن زدند و فواره های خون بود که از غریال سینه های برونمند قهرمانان سر برمی داشت و افق را قرمز می کرد. زمستان سرد و تاریک فرارسید، از بهار آزادی تنها خاطره ای ماند و بس.

حصارهای تودرتوی دژهای جهنمی امین و

چرا رژیم در گفتگوهای ژنو...

بقیه از صفحه ۱

هرچه بیشتر وابستگی و اعتماد توده‌های مردم افغانستان به انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی و دستاورد های بزرگ آن، ضد انقلاب شکست خورده یعنی سرمایه داران و فئودال ها و بهررکشان به رهبری و بی یاری امپریالیست ها به همان نسبت با درنده خوئی جنون آمیز هرچه بیشتر توطئه - چینی ها و دخالت های خرابکارانه خود را برعلیه انقلاب تشدید کردند .

سرشت و محتوای تحولات انقلابی ای که بعد از پیروزی انقلاب شور در افغانستان روی داده بخودی خود ماهیت چپه متحد ضد انقلابیون را آشکار می سازد . افغانستان دمکراتیک ، در طی شش سال پس از پیروزی انقلاب ، کامیابی های بزرگی در راه چیرگی بر واپس ماندگی های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دست یافته است ؛ با اجرای اصلاحات ارضی بنیادی به موجودیت دیرپای نظامات عقب مانده فئودالی و ایلی - عشیرتی یکبار برای همیشه بسود زحمتکشان پایا داد . اصل " زمین از آن کسانی است که بر روی آن کار می کنند " سرلوحه اصلاحات ارضی و آبی قرار گرفت . براین بنیان ، در روستاها میان ۳۵۰ هزار خانوار روستایی زمین بطور رایگان تقسیم شد . کود و بذر و تسهیلات کشاورزی در اختیار دهقانان قرار گرفت . انقلاب بارکمرشکن بدهی - های بیش از ۱۱ میلیون تن از زحمتکشان افغان - ستان به رباخوران و زالوهای اجتماعی را برداشت . حکومت انقلابی به سنگر جهل و بیسوادی این میراث شوم استعمار و رژیم سلطنتی یورش برد ؛ تا کنون ۲۸ هزار کلاس مبارزه با بیسوادی برپا شده است . بیش از ۱۷۰۴۸۰۰۰۰ تن سواد خواندن و نوشتن را فرا گرفته اند . برابری حقوق برای ۲۰ ملیت و قوم ساکن افغانستان در پرتو مناسبات برادرانه بوجود آمد . اکنون ، ملیت ها و اقوام افغانی از حق تحصیل به زبان مادری انتشار روزنامه و تلاش برای شکوفایی و تکامل فرهنگ ملی خود بهره مند می شوند . زنان که تا پیش از انقلاب به خشن ترین شکلی حقوق آزادی هایشان پایمال می شد ، از برابری حقوق با مردان در همه گستره های فعالیت سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی برخوردار شدند . این دستاورد ها که در شرایط ادامه جنگ اعلام نشده امپریالیسم و ارتجاع باخطر بازگرداندن نظام فاشیستی به دست آمده است ، در واقع نشانگر آنست که انقلاب افغانستان ، یک انقلاب پیروزمند است ، زیرا در همه زمینه ها با پشتیبانی وسیع مردم می تواند از موجودیت خویش دفاع کند و توطئه های وسیع و رنگارنگ دشمنان را بی اثر سازد .

در حال حاضر ، امپریالیسم و ارتجاع از د جنبه مرزی پاکستان و ایران سرگرم توطئه و خرابکاری برعلیه افغانستان است . در پاکستان

حدود ۱۰۰ پایگاه نظامی به آموزش و مسلح کردن دسته های ضد انقلابیون مشغول هستند . در ایران نیز د هها پایگاه و اردوگاه بزرگ و کوچک در شهر های گوناگون از جمله مشهد ، زاهدان ، تربت جام قم ، یزد حتی تهران مزدوران و فریب خوردگان را آموزش می دهند . افراد تحت آموزش بعد از مدت کوتاهی برای ترور و خرابکاری راهی افغان - ستان می شوند . تا کنون ضد انقلابیون ۲۰۰۰ مرکز آموزشی ، بیش از ۱۵۰ بیمارستان و مراکز درمانی را ویران ساخته اند . تروریست های بی نظا - هر " مسلمان " همچنین بیشتر از ۲۰۰ تن روحانی را کشته و شمار بسیاری از مساجد را به آتش کشید ه اند . ولی مردم افغانستان که چهره و ماهیت پلید ضد انقلاب را شناخته اند ، پیوسته با دلوری در برابر تحریکات خرابکاری های امیر - یالیسم و ارتجاع به پاسداری از انقلاب و سرزمین خود بپاخاسته اند .

در سومین دور مذاکرات ژنو پیرامون باصطلاح " مسئله افغانستان " رژیم پاکستان تحت تاثیر عوامل گوناگون از جمله ناسامانی های اقتصادی (ناخشندوی و اعتراض رشد یابنده مردم پاکستان نسبت به دخالت کشورشان در امور داخلی افغانستان ، استواری پایه های حکومت انقلابی افغانستان و شتاب گرفتن بازگشت آوارگان افغان - تی به میهن خود ، در این گفتگوها شرکت کرد . ولی رژیم جمهوری اسلامی ایران از شرکت در مذاکرات سرپا زده . بنظر ما ریشه این موضوگیری رژیم را باید در اساس و کارپایه سیاست خارجی حاکمیت جستجو کرد . با قبضه شدن اهرم های سیاست خارجی در دست راست گرایان ، اساس سیاست خارجی رژیم باحفظ ویژگی های خود در راستای هماهنگی و نزدیکی با امپریالیسم قرار گرفت . سمگ گیری سیاست خارجی رژیم آشکارا زیر شعار صدور " انقلاب اسلامی " خصلت ارتجاعی ، مدخله گرانه ، ماجراجویانه و توسعه طلبانه در صحنه عمل یافت . پیامد های منطقی پیگیری این سیاست خارجی شرکت در سرکوب جنبش های آزاد پبخش منطقه و راه آورد آن هما - هنگی و همدستی با ارتجاعی ترین حکومتها بر علیه خلقهاست . زمانیکه ، آقای رفسنجانی ، بجنوا یکی از مسئول ترین مقامات حکومت در دیدار با وزیر امور خارجه ترکیه اینگونه هشداری می دهد که " هم اکنون دو مشکل مهم منطقه افغانستان و حزب بعث عراق است . " و از دو حکومت آمریکایی ترکیه و پاکستان و کشورهای عربی برای حل این " دو مشکل " و دور کردن " خطر کمونیسم " توجیح همکاری سازنده " دارد ، (" جمهوری اسلا - می " ۲۰ اسفند ماه ۶۲) باید چشم انتظار اعمال سیاستهای ضد ملی و مدخله گرانه در سیله ست خارجی کشور بود . طبیعی است که دنبال کردن سیاست کرفضد کمونیستی و گشودن راه همپیمانی با ارتجاع منطقه یک روی سکه و سنگ اندازی در راه عادی کردن مناسبات با افغانستان

و پایان بخشیدن به دخالت های امپریالیستی و ارتجاعی روی دیگر آنست .

سیاست خارجی مدخله گرانه و ماجراجویانه کنونی صدور " انقلاب اسلامی " رژیم جمهوری اسلامی ایران دقیقاً ادامه منطقی و بازتاب سیله ست داخلی ضد مردمی و ارتجاعی حاکمیت در داخل کشور است . بدین معنا که رژیم همانطور که در داخل ، سیاست پشتیبانی از کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران ، راه نزدیکی به امپریا - لیسم و سرکوب آزادی ها و حقوق دمکراتیک توده های مردم را در پیش گرفته است ، در صحنه بیرون - المطلبی نیز سیاست دامن زدن به تحریکات و توطئه های ارتجاعی و تشنج آفرینی را پیشه ساخته است . همچنین باید در نظر داشت که بیش از پنج سال از انقلاب مردم ایران می گذرد و حاکمیت و رژیم جمهوری اسلامی برخلاف کسوه وعده های خشک و خالی خود کوچکترین بهسازی اجتماعی و اقتصادی بسود توده های ده ها میلیون زحمتکشان محروم کشور انجام نداده است . حال طبیعی است که با نگاه بغض آلود به دستاورد های ارزشمند انقلاب دمکراتیک افغانستان نگاه می کند و نمی خواهد جمهوری افغانستان در پرتو آرامش و امنیت به کار خلاق سازندگی به سود سعادت مردم ادامه دهد . در همین پیوند است که هر روز رسانه های گروهی جمهوری اسلا - می با نشخوار آخرین خبرهای ساخته و پرداخته زرادخانه تبلیغاتی امپریالیسم تلاش تب السودی بکاری بند تا واقعیات و رخداد های افغانستان امروز را وارونه جلوه دهد و زمینه برای ادامه فتنه انگیزی های خود برخلاف مصالح و منافع ملی خلق ایران و افغانستان فراهم سازد . بازگشت صلح و آرامش و پیش گرفتن راه همزیستی مسالمت آمیز با خلق ها و کشورهای همسایه بسود استواری استقلال و حاکمیت همه کشورهای منطقه است . مردم ایران می خواهند به دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی افغانستان دمکراتیک پایان داده شود .

وحدت عمل نیروهای انقلابی

اینکه پس از گذشت زمان ، مردم ایران بد رستی پی برده اند که احزاب و سازمانهای انقلابی کدر دوران هرد و رژیم گذشته و حال به علت مبارزه سرسخت و پی گیری در تحقق این خواست توده ها محروم سرکوب شده و می شوند ، تنها نیروهایسی هستند که می توانند این آرمان برحق را برآورد ه سازند . برای تحقق این امر نیز تنها يك راه وجود دارد : اتحاد و عمل مشترك . اتحاد احزاب و سازمان های سیاسی مترقی و انقلابی ، عامل تعیین کننده و وثیقه عمده پیروزی در نبرد است که اکنون میان نیروهای انقلابی و ضد انقلابی در جریان است .

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

زنان و قانون اساسی جمهوری اسلامی

اعلامیه کمیته مرکزی

بقیه از صفحه ۱

چند بار به سکنه قلبی و مغزی دچار شده و عکس-هایی که از او در روزنامه‌ها منتشر گردیده است، با کمال وضوح وضع غیرعادی او را نشان می‌دهد. اکنون که سران ج ۱۰ احسان طبری، این انسان دانشمند، شریف و زجر دیده را مجدداً به جلوی دوربین‌های تلویزیون می‌کشند، ما باریگر صدای اعتراض خود را علیه حکام جنایت‌پیشه تهران بلند می‌کنیم و بر پیشانی آنان داغ ننگ می‌زنیم. رفیق احسان طبری، در پیش از چهل سال، در آثار متعدد خود، نظریات خویش را درباره مارکسیسم-لنینیسم و مسائل سیاسی و اجتماعی ایران بیان کرده است. آنچه امروز حکام تهران به او نسبت می‌دهند، نظریات او نیست و نمی‌تواند باشد، آنچه امروز بر زبان او می‌گذارد منویات گریه‌های انسان نطای است که بیش از یکسال او را زیر شکنجه‌های وحشت-آور به سرحد مرگ رسانده‌اند.

تبهکاران رژیم اسلامی باید بدانند که بسا این شعبده بازیها قادر به قلب حقایق نیستند. آنها دیگر نمی‌توانند مردم ایران را بفریبند. این اقدامات، آنها را روزیروز منفرد تر و انتظار مردم ایران و جهان منفرودتری آبروتر می‌سازد. ما این دور جدید توطئه علیه حزب توده ایران و اعضا، آنرا شدیداً محکوم می‌کنیم و تمام مردم انساندوست، ترقی خواه و صلح جوی ایران و جهان را بیاری می‌طلبیم. ما از نیروهای ملی و مترقی کشور و از سازمانها و شخصیت‌های دموکراتیک جهان طلب می‌کنیم صدای اعتراض خود را علیه جرایم و جنایات حکام مرتجع ایران بلند کنند و با اعزام نمایندگان و هیئتهای پزشکی به تهران، برای بررسی وضع جسمی و روحی زندانیان سیاسی، از ادامه فجایع مرتجعین حاکم بر ایران جلوگیری کنند.

دنیا نباید و نمی‌تواند در برابر این تبهکاری‌ها سکوت کند، نباید و نمی‌تواند در برابر توهین به شخصیت انسانها خاموش بنشیند. ما مطمئنیم که اگر صدای همه مردم انساندوست و ترقیخواه ایران و جهان هماهنگ شود، می‌توان به تبهکارهای حکام مرتجع ج ۱۰ پایان داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ شهریور ۱۳۶۳

بی‌رویه و حذف زنان دگراندیش از مشاغل دولتی، طرح نیمه وقت ساختن اشتغال بانوان، بازنشسته کردن زنان با ۱۵ سال سابقه کار و موارد بسیاری از این قبیل به طرد زنان از صحنه اجتماع و تنزل آنان به پایین ترین مقام جامعه پرداخته و بدین ترتیب اصل ۱۱ قانون اساسی را مبنی بر "حق انتخاب آزادانه کار" زیر پا گذاشته‌اند.

اصل ۲۱ قانون اساسی هم چنین دولت را موظف می‌دارد که در دوران بارداری از مادران و فرزندان حمایت کند. حال آنکه زنان کارگر زحمتکش ما به وضوح نقض این قانون و عدم توجه به حقوق انسانی شان را لمس می‌کنند، از جمله مسئولین راستگرایی وزارت کار، مدت مرخصی دوران زایمان زنان کارگر را که بر اثر مبارزات طولانی بالغ ۹۰ روز بود به ۷۵ روز تقلیل داده‌اند که البته تضمینی هم برای ادامه کار مادران پس از بازگشت به کار وجود ندارد. بسیاری از زنان باردار برای آنکه کارشان را از دست ندهند تا آخرین ماههای حاملگی سرکار حاضر می‌شوند و حتی مادر بودن خود را از صاحبان کار پنهان می‌کنند. هم چنین در جنب محیط‌های کار هیچگونه مهد-کودک و شیرخوارگاهی جهت نگهداری از کودکان زنان کارگر تأسیس نگردیده است.

در بخش دیگری از اصل ۲۱ قانون اساسی به ایجاد "دادگاه صالح برای حفظ کيان و بقای خانواده" اشاره شده است. ولی امروز با ایجاد دادگاه‌های مدنی خاص، نه تنها "کیان و بقای خانواده‌ها حفظ نشده است بلکه شرایطی غیر انسانی بر زنان محروم میهن ما تحمیل گردیده است. اخیراً دادگاه‌های مدنی خاص به افزایش میزان طلاق‌ها اشاره داشته و در این رابطه از شورای عالی قضایی طلب رسیدگی کرده‌اند.

بر اساس ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی دوران ستشاهی که توسط دادگاه‌های مدنی خاص محترم شناخته شده است، زنان حق طلاق ندارند و مرد حق دارد هر لحظه اراده کند زن خویش را طلاق دهد. (بهانه طلاق مهم نیست)، چند هوسری و ازدواج منقطع حق قانونی مردان شناخته شده است، سرپرستی و نگهداری فرزندان از حقوق مرد است، دختران در هر سنی فاقد عقل و شعور دانسته شده‌اند و انتخاب همسر تنها با اجازه پدر یا جد پدری مجاز دانسته شده است، در مورد ارث سهم فرزندان دختر نصف سهم فرزندان پسر است و سرانجام حکام راستگرایی ج ۱۰ با تصویب قانون قصاص رسماً شخصیت حقوقی زنان را نصف مردان اعلام نموده‌اند و دو شاهد زن را برابر یک شاهد مرد می‌دانند. در قسمت دیگر اصل ۲۱ قانون اساسی به حقوق زنان بیوه، سالخورده و بی‌سرپرست اشاره شده است. در حالی که در بین زنان جامعه ما، اینان فراموش شده‌ترین هستند. بطوریکه در مورد حقوق بازنشستگی زنان سالخورده کارگر، در پیش نویس جدید قانون کار، هیچگونه تضمینی نشده است.

حکام مرتجع ج ۱۰ هر روز با وضع مقررات جدید، محدودیت‌های بیشتری را علیه زنان به ثبت می‌رسانند. تنگ نظرهای سران ج ۱۰ کار را به آنجا رسانده است، که حقوق تصریح شده زنان در قانون اساسی را نیز زیر پا گذاشته‌اند. در مقدمه قانون اساسی آمده است: "بدلیل ستم بیشتری که زنان تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود". البته در طول پنجسال وادی که از انقلاب گذشته است بین واقعیت‌های تلخی که بر زنان زحمتکش جامعه ما گذشت و می‌گذرد و آنچه که به عنوان ادعاهای رنگارنگ بر روی صفحات قانون اساسی باقی ماند، فاصله بسیاری است. بعنوان نمونه: اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت را موظف می‌دارد که "زمینه مساعد برای رشد شخصیتی زنان را فراهم آورد". در ارتقاء شخصیت زنان دو زمینه حائز اهمیت بسیار است: ۱- توجه به آموزش زنان و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای آنان بمنظور کسب تخصص در رشته‌های گوناگون، ۲- مشارکت فعال آنان در عرصه‌های تولیدی و اجتماعی.

اما گردانندگان رژیم در هر دو این زمینه‌ها حقوق زنان را پایمال ساخته‌اند. در عرصه آموزش همانطور که در اصل ۳۰ قانون اساسی تصریح شده، دولت وظیفه دارد: "امکانات آموزش و پرورش رایگان را برای همه آحاد ملت تا مدارج عالی تحصیلی فراهم آورد".

نیمی از جامعه ما را زنان ستندیده‌های تشکیل می‌دهند که قبل از انقلاب، ۹۰٪ آنان از این حق طبیعی بی‌بهره مانده بودند و این رقم در مورد زنان روستائی کشورمان به ۹۸٪ می‌رسید. زمامداران ج ۱۰ به جای آنکه به وعده‌های مندرج در قانون اساسی عمل کنند، در دانشگاه‌ها زنان را از تحصیل در رشته‌هایی چون کشاورزی، فنی و مهندسی، زمین شناسی و معدن، باستانشناسی و رشته قضائی محروم کرده‌اند و در بسیاری از دبیرستانهای دخترانه، رشته ریاضی را از مواد درسی حذف کرده‌اند. همچنین زحمتکشان میهن ما بخوبی شاهدند که چگونه بدلیل آنکه تشکیلات کلاسهای مختلط را محل مبانی اسلام دانسته‌اند کلاسهای دخترانه را جدا کرده‌اند و حد نصاب تشکیل کلاس برای آنان را حداقل ۱۰ نفر قرار داده‌اند که بدلیل کمبود معلم، عدم وجود فضای آموزشی لازم و نرسیدن تعداد دانش‌آموزان به حد نصاب لازم در بسیاری از روستاها از تشکیل کلاسهای دخترانه جلوگیری به عمل آمده است. علاوه بر این مردم ستندیده ما شاهدند که چگونه واپس‌گرایان ج ۱۰ هزاران زن و دختر دانش‌آموز را به جرم دگراندیشی به کنج فراموشخانه‌ها و سیاه چال‌های ساواک فرستاده‌اند. در عرصه فعالیت‌های اجتماعی نیز مردم قهرمان میهن ما گواهند که امروز مرتجعین و قشربون با بکارگرفتن طرح افراطی حجاب، اخراج‌ها و پاکسازی‌های

علاوه بر آن، حضرات تنها نهاد موجود برای زنان سالخورده و بی‌سرپرست یعنی کانون زنان سالمند را در تهران تخلیه کرده و آنان را بدون هیچ سرپناهی در جامعه رها ساخته‌اند.

زیرا گذاردن حقوق زنان زجر کشیده میهن ما، رسواگر چهره حاکمیت واپس‌گرایی ج ۱۰ است. اما علیرغم همه کارشکنی‌های زمامداران مرتجع ج ۱۰ زنان زحمتکش وطن ما، با عزمی استوار و روحیه‌ای تزلزل‌ناپذیر تا آخرین نفس در راه احیای حقوق پایمال شده خود خواهند رزمید.

خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

مهمات و اتومبیل ضد گلوله

در اسکله بند رعباس هر روز مقدار زیادی مهمات یا مارك كره جنوبی تخلیه می شوند . مهمات آنقدر زیاد است كه هنگام تخلیه آنهاحتی فرصت ندارند كه روی تریلی ها را با چادرپوشانند اسکله همچنین پراز اتومبیل های ساخت ژاپن و تعداد قابل توجهی از آنها ضد گلوله است كه به سرعت آنها را از بندر خارج می كنند .

زندگی بد و نادرها

پرسنل و نادرمری زاهدان وضع بد یدارند . آنها از کمی حقوق و نداشتن مسكن می نالند . بخصوص وضع بد رجه داران و سربازان از همدست تر است . اگر درجه داری فرزندش مرخص باشد ، برای رساندن او به دكتر باید بیست تا اطاق را پرودنا بتواند ۴۸ ساعت مرخصی بگیرد . در این سازمان کسی رشد می كند كه خوب دروغ بگوید ، چاپلوس باشد ، دزدی كند و " بزرگترها " را هم درزدی . هایش شريك سازد . لوازم زندگی به سختی تهیه می شود . درجه داری می گفت اگر بخواهی يك پنكه بخری باید دو تابستان منتظر باشی تا نوبت به تو برسد ، تازه اگر خیلی زرنگ باشی .

آموزش ضد مردمی

از مدتی پیش در ایران دو پایگاه برای آموزش " مقابله " با جنگ های چریکی و پارتیزانی اختصاص داده شده است . در این پایگاه ها چگونگی مبارزه با نیروهای انقلابی و حرکتهای مردمی انفجار پل ها و روشهای ایجاد رعب و هراس در مردم آموزش داده می شود و اغلب افراد تحت آموزش ، از جوانان ناآگاه روستایی اند كه در این پایگاه ها برای سرکوب مردم آماده می شوند .

يك بام و دو هوا

اعضای شورای پذیرش دانشگاه تربیت معلم تهران گروهی از دانشجویان عضو انجمن اسلامی هستند . این شورا اختیار تام دارد تا در مورد صلاحیت يك دانشجویمان تصمیمگیری كند . یکی از این اعضا دانشجوی فیزیک ، كه به جرم دزدی خرید و فروش اموال دانشگاه از جمله ویدئو و سواربسه دستور رییس دانشگاه تربیت معلم از کلاس های درس اخراج شده است هنوز در شورا می پذیرش مشغول کار است و كماكان به عنوان رابط شب-سورا روزهای دوشنبه و پنجشنبه ، پاسخگوی دانشجویان بلا تکلیف ، آخراچی ها و کسانى است كه تعهد داده اند .

محض اطلاع

این طور می گویند كه در بین مقامات حاكمه بحث بر سر این است كه رانندگی برای زنان ممنوع اعلام شود .

بوی عقل یابوی سازش ؟

بشریت مساوی تقسیم شده ، این پیام امروز در جمهوری اسلامی است و مرکز شد ربیت امام و مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و جمعیت مجاهد و مبارز ماست .

از این سخنانش بوی بلاهت و حماقت می آید . وقتی می گوید : " اینجا (تنگ هرمز) شریان حیاتی دنیا است و يك طرف این رگ حیاتی دنیا ، ساحل شمالی اش ، در كل در دست ماست و حاكمیت بر این منطقه بیش از هر كشور دیگری حتی ابر - قدرت ها در اختیار جمهوری اسلامی است " .

از این سخنانش بوی يك دللك " رستم صولت " می آید . بوی عوام فریبی و حماقت و سرزیر برف - كردن و دیگران را مانند خود ابله حساب كردن به مشام می رسد . زیرا دیگر همه می دانند كه شیطان بزرگ ، آمریکا ، ناوهایش را آورد دم گوش و زیر دماغ آقایان ، در " منطقه حاكمیت " آقایان و گفت : جلو نیا كه می زسم ! و تیری به يك هواپیما خالی كرد و اخطاری به يك كشتی داد و آقایان دشمن را گذاشتند روی كولشان و جیم شدند و " شتر دیدی ، ندیدی " جيكشان در نیامد و قضیه را زیر سیلی (یا زیر ریشی) در كردند !

وقتی كه می گوید : " آمریکا تهدید كرده كه اگر اسرائیل از سازمان ملل بیرون برود ، من هم بیرون می روم و مخارج را نمی دهم ، این مخارج را ما می پذیریم " ما با این كه در حال جنگ هستیم و نیاز زیادی هم به پول داریم ، بخش عظیمی از این مخارج را خواهیم پرداخت .

از این سخنانش بوی وقاحت (وقاحت آخوندك) می آید . چون دیگر همه می دانند كه چ ۱۰۰ با " شیطان بزرگ و اذناش " یعنی آمریکا و اسرائیل و آفریقای جنوبی رابطه اقتصادی و داد و ستد دارد و اسلحه و مهمات و لوازم یدکی می خرد .

از آن گذشته یکی نیست بگوید : حضرات ! شلوارتان را محكم بگیرید از پای تان نیفتند ، بزدل و بخشش (آن هم از كيسه ملت) پیشكشستان ! شما حقوق كارمنداها و كارگرها و پول نیازهای ضروری و اولیه مردم مثل نان و گوشت و قند و چای را بدهید ، مخارج سازمان ملل پیشكشستان . این كنده گویی ها به شما نیامده ! یکی را توی ده راه نمی داند ، سراغ سازمان ملل را می گرفت ! سخن کوتاه ، از جمهوری اسلامی خیلی بوها به مشام می رسد : بوی استبداد و خودكامگی ، بوی خفقان ، بوی عصیان ، بوی كاری كه دیگر به استخوان رسیده است ، بوی هرج و مرج ، بوی گند فساد ، بوی دزدی و غارت ، بوی بلاهت و حماقت ، اما تندتر و آزاردهنده تر از همه ، بوی خون است كه بلند است .

هاشمی رفسنجانی ، امام جمعه موقت تهران ظاهرا باید شاه تیزی داشته باشد . زیرا همه چیز را به بو تعبیر می كند . در نماز جمعه تهران (كیهان ، ۲۷ ر ۶۳) در باره همین گذارید ركانال سونز می گوید : " ما داریم احساس می كنیم در كانال سونز بوی يك توطئه ای به مشام می رسد " . و همان جا در باره حزب بعث و حكومت عراق باز همین تعبیر را به كار می برد :

" مدتی است كه بوی این مسئله می آید كه دنیا عاقل شده باشد ، کشورهای همسایه عاقل شده باشند و بپذیرند حزب بعث به پای میز محاكه كشیده شود و از حكومت پایین بیاید " . اگر ما هم بخواهیم تعبیر هاشمی رفسنجانی را به كار ببریم ، باید بگوییم از جمهوری اسلامی هم خیلی بوها می آید ، ابتدا بوی سازش و تسلیم به مشام رسید ، بعد یكباره بوی گند خیانت بلند شد .

مسلم است كه نه امپریالیست ها عاقل شدند و نه نوكرانشان در منطقه فقط رهبران جمهوری اسلامی سر " عقل " آمده اند و مدت ها است دارند چشمك می زنند و غمزه می آیند كه خودتان به خوبی و خوشی صدام را بردارید و آبروی ما را حفظ كنید ، ما خود مان غلام حلقه به گوش و مطیع او امرتان هستیم .

رفسنجانی ، وقتی كه می گوید :

" ما اصرار نداریم كه حتما با گلوله و فشار نظامی این كار را بكنیم " از این حرفش بوی ضعف و زبونی و بیچارگی می آید .

آنجا كه می گوید : " وقتی كه در داخل كشور ما مخالفین ما شروع به ضربه زدن كردند و دست به ترور زدند ، جمهوری اسلامی مقابله به مثل كرد ، وگرنه ما حقیقا بنا نداشتیم كه مخالفین سیاسی خود و حتی مخالفین عقیدتی خود را تحت فشار قرار بدهیم " .

از این سخنانش بوی دروغ و نیرنگ و نامردی و تزویر می آید . ده ها و هزارها جوان كه به گناه داشتن يك اعلامیه یا تنها دگراند پیشی اعدا م شده اند یا هم اکنون در شكجه گاه های ج ۱۰ اسیرند ، گواه این امرند .

وقتی كه می گوید : " ما به عنوان جمهوری اسلامی و مفسر اسلام و به عنوان پیام وحی به دنیا امروز می گویم آنجایی كه برای بشریت می خواهد خدمت كند و داعیه حكومت جهانی دارد و خودش را از نهضت های قومی ، نژادی ، خاك و زبان و فرهنگ خالی می كند ، می رود روی محور های بشریت و اصول اساسی آفرینش كه برای همه

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

پیام شادباش به کمیته مرکزی حزب کارگراتیویی

رفقای گرامی ،
پایه گذاری حزب کلگراتیویی ، حزب پیشاهنگ
مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگراتیویی را به شما
همه کمونیست ها و زحمتکشان کشورتان شادباش
می گویم و آنرا همانند رویدادی تاریخی در پیکار
طبقه کارگراتیویی در راه پیشرفت اجتماعی و
سوسیالیسم ارتیویی می کنیم .

انقلاب سپتامبر ۱۹۷۴ بی آمد مبارز جنبش
وسیخ خلق علیه امپریالیسم و نظام فئودالی - سرمایه
داری بود . به رغم دسیسه های پایدار امپریالیسم
و ارتجاع داخلی ، اتیویی در ده سال گذشته به
پیروزی های چشمگیری در زمینه های گوناگون
زندگی اجتماعی دست یافته است . ما اطمینان
داریم ، که با پایه گذاری و رهبری حزب مارکسیستی
لنینیستی ، طبقه کارگر نوپای اتیویی ، با بی پای
تحکیم دستاورد های کنونی ، گذار انقلاب ملی -
دمکراتیک را به انقلاب سوسیالیستی شتاب خواهد
بخشید .

حزب توده ایران ، که پیوسته از پیکار دشوار
شما علیه امپریالیسم و ضد انقلاب پشتیبانی کرده
است ، بار دیگر همبستگی رزمجوانانه خوش را با
کمونیست های اتیویی ابراز می دارد و خواستار
تعمیق هرچه بیشتر مناسبات میان د و حزب است .
با درود های کمونیستی ،

کمیته مرکزی حزب توده ایران
سپتامبر ۱۹۸۴

غرفه مشترک "نامه مردم" و "کار" در جشن "لند و فالک"

بنا به دعوت حزب کمونیست دانمارک "نامه
مردم" و "کار" با غرفه مشترکی در فستیوال
روزنامه "لند و فالک" ارگان مرکزی حزب
کمونیست دانمارک شرکت کردند .

هواداران حزب و سازمان با پخش اعلامیه -
های گوناگون حزب توده ایران و سازمان فداییان
خلق ایران (اکثریت) هزاران دانمارکی را با
خیانت های حاکمیت جمهوری اسلامی ایران
به انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و
مردمی بهمین آشنا کردند .

غرفه مشترک حزب توده ایران و سازمان
فداییان خلق ایران (اکثریت) یکی از
پربیننده ترین و جالب ترین غرفه
های فستیوال حزب کمونیست دانمارک بود .

هم وطنان گرامی!

نامنرزم را بخوانید
ارگان مرکزی حزب توده ایران
و به پخش آن یاری رسانید!

آیت الله طالقانی : منادی پیگیر اتحاد همه نیروهای خلق علیه ارتجاع و امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

و آزاد سخن می گفت . او برخلاف رهبران جمهوری
اسلامی ، در سراسر زندگی خود به مردم پشت نکرد
و اعتقاد داشت در "جامعه اسلامی" باید قدرت
در دست مردم و شوراهای مردمی باشد :

"مسئله شوراها یکی از اساسی ترین مسایل
اسلامی است . . . بگذرید مردم مسئولیت پیدا
کنند . این مردم هستند که کشته داده اند ."
طالقانی در آخرین خطبه نماز خود در روز
۱۷ شهریور که در واقع وصیت نامه است ، از "استبداد"
که زیر پرده "دین" عرضه می شود شکوه کرد و آنرا
"خطرناک ترین تحمیلات" نامید و گفت :
"هنوز مردم مستضعف ما باور نمی کنند که
رسالت اسلام و انقلاب ما آزادی است . چون کمتر
عمل دیده اند ."

آیت الله طالقانی انسان آزاداندیش و روشن
بینی بود . او آثار مارکسیستی را مطالعه می کرد و
می گفت :

"مادرفی استثمار و استعمار و دفاع از آزادی
با مارکسیست ها عقاید مشترکی داریم ."

آیت الله طالقانی سرشت تبهکار و جهانخواز
امپریالیسم ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا رلیخویی
درک می کرد . او آرزو داشت و می خواست ج . ا . ا
یک سیاست خارجی صلح جویانه و ضنامپریالیستی
داشته باشد ، نه مانند امروز کارگزاریک سیاست
خارجی ارتجعی ، جنگ طلبانه و توسعه جویانه .
او هوادار صلح بود و جنگ را تنها در مقام دفاع
در برابر تجاوز امپریالیستی جایز می شمرد :

" . . . تمام جنگ های علی لافاع بود . آیا

این نباید سرمشق ما مسلمان ها باشد که به کسی
تهاجم نکنیم " . یکی از عالیترین خصوصیات
انقلابی آیت الله طالقانی اعتقاد ریشه دار اصولی
او به ضرورت اتحاد و یگانگی همه نیروهای انقلابی
خواه مسلمان مبارز یا دگراندیشان و هواداران
مارکسیسم در پیکار ضد امپریالیسم و ارتجاع بود .
اینک که پنج سال از درگذشت او می گذرد ،

انقلاب ۲۲ بهمن با خیانت ناخوشودنی سران
جمهوری اسلامی از محتوای ضد امپریالیستی و مردمی
خود تهی گردیده است ، یعنی پیش بینی طالقانی
جامه عمل پوشیده و "استبداد" در زیر پرده "دین"
در جامعه حکمفرما شده است . بدین ترتیب وظیفه
پراهمیتی در برابر نیروها و هواداران و پیروان
اندیشه های آیت الله طالقانی قرار می گیرد .

یگذازید به حواست ها و آرمان های طالقانی به
دیده احترام بنگریم . خواست او ، اتحاد و یگانگی
همه نیروهای خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع عملی
سازیم .

خود هموار ساخت . او آخرین بار در سال ۷۷ در
پی اوگیری انقلاب از زندان "اوین" آزاد و به
آغوش مردم یازگشت و به سهم خود به سازمانگری
توده های مردم در راه واژگونی رژیم پهلوی همت
گفارد . خاطره نمایش های بزرگ روزهای تاریخی
ناسوعا و ماشورای ۵۷ به پیشگامی او را مردم هرگز
فراموش نخواهند کرد .

در گذشت آیت الله طالقانی ، بخاطر اندیشه
های روشن ضد امپریالیستی ، ضد استبدادی و
ضد سرمایه داری و پیگیری انقلابی اش ، به سوگواری
بزرگ و بی مانند ملی تبدیل شد . اینکه مردم در
وجود طالقانی یاور سخنگوی خود را می دیدند و
از نبودنش اندوهناک بودند ، بی دلیل نبود .

آیت الله طالقانی از زمره آن وعاظ سرمایه
ستا و زراند و زسران جمهوری اسلامی نبود که
بخواهد انقلاب را به بیراهه دفاع از سرمایه
داران و غارتگران بکشاند . او نظام سرمایه داری را
خوب می شناخت . از دیدگاه اقتصادی خود بر
مناسبات ضد انسانی سرمایه داری خط قرمز می
کشید . او از نظام طبقاتی که در آن گروه کوچکی
چپاولگر و بهره کش بر اکثریت محروم مردم حکم
برانند با تمام وجود نفرت داشت . آیت الله
طالقانی در کتاب "اسلام و مالکیت" می نویسد :
"نظام سرمایه داری بی بند و بار نمی تواند
هد فی جز استثمار و استعمار دیگران داشته
باشد" (ص ۹۲) او خواهان استقرار جامعه
عدل و قسط بود و می خواست :

"نظامات فاسد و فاصله ها فرو ریزد . . . ترکیب
اجتماعی جدیدی بوجود آید ، یعنی اجتماعی
انقلابی ، اجتماعی پیش رو . . ."

آیت الله طالقانی از خصلت های انحصار -
طلبانه و قشری کور سردمداران جمهوری اسلامی
بدرور بود . او می گفت :

"هر انقلاب علیه ظلم و استبداد و علیه
استعمار ، در هر جای دنیا باشد ، همیشه در نظر
ما یک انقلاب اسلامی است . " صد البته تعبیر
آیت الله طالقانی از "انقلاب اسلامی" زمین تا
آسمان با تعبیر و عمل حکام امروزمین جمهوری
اسلامی تفاوت داشت . "انقلاب اسلامی" به گفته
و باور طالقانی ، همخوان با برنامه ملی بنی الهی
چنین بود :

"خود خواهانی که برگردند مردم سوارند باید
به زیر کشیده شوند ، مستکبرین خود خواه و سرمایه
داران غارتگر باید دنبال کارشان بروند ، گرچه
طلحه و زبیر باشند ."

آیت الله طالقانی از دگرگونی بزرگ پرویرانه
نظام سرمایه داری و فراوی آن به یک نظام عادلانه

★★★

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!

رویدادهای جهان

از میان پاسخ‌های رفیق چرنکو به پرسش‌های پرودا

در زمان اخیر رهبران آمریکا سخنرانی‌های زیادی، قبل از هر چیز در ارتباط با کنگره حزب جمهوری خواه آمریکا ایراد کردند که اجازه می‌دهد پیرامون دید رهبران کنونی آمریکا از جهان معاصر و اینکه چه مقاصدی دارند داورک شود. و باید گفت همه اینها امپرسیون تیره و تار می‌گذارد. برداشت‌های سیاسی و از آن مهتر اقدامات عملی کسانی که مشی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را تعیین می‌کنند آشکارا بسوی حادثه کردن بیشتر وخامت اوضاع بین المللی متوجه است.

در واشنگتن با رک گویی و قبحانه جاه طلبی های عظمت طلبانه و تصور اغراق آمیز خود راد ر مورد نقش و مقام آمریکا در جهان معاصر بیان می‌کنند. می‌خواهند از همه نیرومند تر باشند، سرنوشت خلق‌ها را تعیین کنند و اراده خود پیش‌را در همه جا و بر همه کس تحمیل نمایند. در یک کلمه، اینک نه تنها از "جنگ صلیبی" علیه سوسیالیسم، بلکه عملاً تمام دنیا صحبت میکنند در زمانی که خلق‌ها با نگرانی در باره فردای خود زندگی می‌کنند، هنگامیکه از دلشها انتظار سیاست سخت مسئولانه در راستای تحکیم صلح بین المللی، محدود کردن بنیاد تسلیحات و قطع سابقه تسلیحاتی و نابود کردن کانونهای درگیری را دارند، در واشنگتن قصد خود را مبنی بر استفاده خشن از نیروی نظامی اعلام می‌کنند. با عرقه شدن در اندیشه قدرت، در آنجا حس واقع‌بینی را از دست داده‌اند. دنیا از بیخ و بن تغییر کرده است و مسائل موجود در آنرا نمی‌توان پا زور حل کرد. این نه یکبارو از جمله با تجربه خود ایالات متحده آمریکا به اثبات رسیده است. نمی‌توان امنیت خود را به زیان امنیت دیگران تحکیم کرد. حسابهای منروط به دستگیری به برتری نظامی و پیروزی در جنگ هسته‌ای نیز تحقق نیاافتی است. تکرار می‌کنم: اتحاد شوروی به کسب برتری نظامی نسبت به دیگران گرایش ندارد، اما برتری دیگران نسبت به خود را نیز اجازه نخواهد داد. شاید برای بعضی‌ها در ایالات متحده آمریکا دشوار باشد عادت کنند، ولی باید این واقعیت را پذیرفت که دو دولت ما مناسبات خود را فقط بر پایه برابری و احترام به منافع قانونی یکدیگر می‌توانند بنا نمایند.

در واشنگتن می‌کوشند اجرای سیاست از موضع قدرت را با برخی ملاحظات "اخلاقی" توجیه کنند. آنجا میل دارند، نه کم، نه بیش، این حق را بخود اختصاص دهند که تعیین کنند

کدام دولت را "دموکراتیک" هستند و کدام نه، کدامیک مانند پینوشه در شیلی و نژاد پرستان جنوب آفریقا جزء مدافعین "آزادی" بشمار می‌روند و علیه کدامیک باید با کالیبر بزرگ تیر اندازی کنند، آنطور که در لبنان کردند و نه فقط در آنجا. به دیگر سخن، هر آنچه را که برای خود مجاز می‌دانند اخلاقی اعلام می‌کنند، از جمله سرنگون کردن دولت‌های قانونی، سیاست تروریسم دولتی و انجام جنگ‌های اعلام نشده، علت اساسی حادث شدن وضع در کانونهای وخامت موجود و پیدایش کانونهای تازه همین است، خواه در خاور نزدیک، جنوب آفریقا، آمریکای مرکزی و خواه در مناطق دیگر.

ما پیوسته خواهان گفتگوهای جدی و مشخص هستیم. ما از همین موضوع رجستجوی راه حل‌هایی برای مسائل موجود از جمله با دولت کنونی آمریکا می‌باشیم. اما متأسفانه با مناسبات دیگری نسبت به مذاکرات روسو می‌شویم مسئله، مسئله فوق العاده مرمع و محدود کردن کاهش سلاحهای هسته‌ای - هم استراتژیکی وهم میان برد را در نظر بگیریم. بیش از یکسال است که واشنگتن به هرگونه بهانه جویی متوسل می‌شود تا اصلاً گفتگو را آغاز نکند. البته این مدت به منظور دیگری مورد استفاده قرار گرفت - برنامه های گسترده نوین نظامی وارد مرحله اجرا گردید

هنگامیکه مذاکرات در ژنو آغاز شد، خیلی زود روشن گردید که نمایندگان آمریکا با هدف های سازنده به آنجا نرفته‌اند، بلکه با این قصد که آنچنان راه حل‌هایی بدست آورند که برتری یکجانبه نظامی را برای ایالات متحده آمریکا نسبت به اتحاد شوروی تأمین کند. چنین گفتگو-هایی البته بیفایده است.

فقط بشرط رعایت دقیق اصل برابری و امنیت یکسان کشورها، مذاکرات جدی و نتیجه بخش امکان دارد. درست امتناع واشنگتن از این اصل علت برهم خوردن مذاکرات ژنو شد. امروز هم مسائل بسیار زیادی وجود دارد که باید مورد بحث قرارگیرد و حل شود.

می‌خواهم بطور مشخص آماجگی ما را برای مذاکرات شرافتمندانه و جدی بمنظور دستیابی به توافق که منافع و امنیت یکسان همه کشورها و خلق‌ها را در برگیرد اعلام کنم.

ما گفتگو را بدینگونه می‌فهمیم.

خشم و نفرت مردم افغانستان

انفجاری که ۳۱ اوت در فرودگاه بین‌المللی کابل توسط جنایتکاران ضد انقلابی و حامیان خارجی آنها انجام گرفت موجی از خشم و نفرت را برانگیخت. قربانیان این جنایت بطور عمد ه زنان و کودکان بودند.

مردم افغانستان ضمن ابراز همدردی با قربانیان حادثه و محکوم کردن اعمال جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا توسط اد مکشان مزدور، خواستار مجازات شدید این دشمنان خلق شدند. گروهی از کارکنان بیمارستان‌های کابل طی نامه ای می‌نویسند: جنایتکاران زیر نقاب اسلام و با پشتیبانی آمریکا، پاکستان و دیگر اقطار و همکاران نشان کودکان و زنان بی‌گناه را به قتل می‌رسانند رفیق بېرک کارل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب طی عیادت از زخمیان حادثه در بیمارستان گفت: این بمب با توصیه مقامات پاکستانی در فرودگاه کابل منفجر شد. مردم افغانستان این وحشیگریهای ضد انقلاب را فراموش نخواهند کرد. رفیق کارل افزود: هر قطره خونی که ریخته شود، هزاران مبارز انقلابی دیگر را به صفوف پیکار جلب خواهد کرد.

تصحیح و بوزش

در شماره ۱۴ "نامه مردم" در مقاله "سرکوب خلق کرد توسط قوای نظامی ۰۰۰"، تاریخ ۹ شهریور اشتباها ۲۹ شهریور چاپ شده است بدینوسیله از خوانندگان گرامی بوزش می‌طلبیم.

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است!

حساب بانکی ما: Sweden Stockholm Sparbanken Stockholm N: 040012650 Dr. John Takman

NAMEH MARDOM P. B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden No: 15

Sept. 13, 1984

Price

W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts

به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!